هو اللّه تعالی شأنه الحکمة و البیان

قد انزلنا الکتاب و هو ینطق امام وجوه العباد الملک للّه ربّ الأرباب و یبشّر المقبلین بما قدّر لهم من القلم الأعلی و ینذر الّذین کفروا باللّه و آیاته و اعرضوا عن مشرق البیان

 یا محمّد اسمع النّدآء من السّدرة المبارکة الحمرآء انّه لا اله الّا انا العزیز الوهّاب لمّا جآء الوعد و تمّ المیقات جئنا من مطلع الاقتدار بآیات اللّه مالک المآب و کان عن یمینی نقطة البیان و امام وجهی رسل اللّه المهیمن العزیز المختار طوبی لنفس فازت بأیّامی و اقبلت الی افقی و توجّهت الی وجهی و سمعت ندآء النّبیّین و المرسلین فی هذا الأمر الّذی به تزلزلت الأرکان و انصعقت الأصنام کنّا مستویاً علی عرش الحزن بما ورد علینا من مطلع البغضآء ما ناح به الفردوس الأعلی و الّذین طافوا العرش فی البکور و الآصال

 ورد الغصن الأکبر امام الوجه بکتاب من احبّنی الّذی سمّی بعلی اکبر من قلم اللّه مظهر البیّنات سمعنا ما نطق به اجبناه فضلاً من عندنا و انا المشفق الفضّال یا علی اکبر علیک بهائی انت الّذی قطعت السّبل الی ان وردت فی شاطئ البحر الأعظم و سمعت ندآء المظلوم الّذی ورد علیه فی سبیل اللّه ما ناحت به الذّرّات وردت و سمعت و رأیت ما کان امل المقرّبین فی ازل الآزال یا علی قبل اکبر انّ المظلوم یذکرک من شطر السّجن و یذکر الّذین ذکرتهم فی کتابک لتشکر ربّک الغنیّ المتعال انّا ذکرنا اخاک من قبل ثمّ الّذین آمنوا باللّه الواحد الفرد العزیز الغفّار اردنا ان نذکر کلّ واحد بما یجذبه الی مقام لا تمنعه شؤونات العالم و لا اعراض اهل البیان الّذین کفروا بالرّحمن اذ اتاهم بقدرة و سلطان یا علی اکبر بلسان پارسی ذکر میشود تا کل از کوثر بیان رحمن قسمت برند و باستقامت کبری فائز گردند

 یا سلیمان (استاد سلیمان) قلم اعلی میفرماید اهل عالم طرّاً از برای عرفان یوم اللّه خلق شده‌اند هر رسولی عباد را باین یوم بشارت داده و نصیحت فرموده کتب قبل که از ملکوت بیان رحمن بر انبیا و اصفیا نازل شده شاهد و گواه است مع‌ذلک عباد غافل از عرفان مالک ایجاد و حاکم یوم معاد محروم و ممنوع مشاهده میشوند سبب و علّت این منع اکبر و حجاب غلیظ علمای عصر بوده و هستند و فی‌الحقیقه جزای اعمال کل را اخذ نموده و از بحر نور که امام وجه مالک ظهور موّاجست منع کرده حمد کن مقصود عالم را که ترا مؤیّد فرمود شنیدی و فائز گشتی حال وصیّت مینمائیم ترا و حزب اللّه را بر حفظ آنچه عطا شده البهآء من لدنّا علی الّذین اقبلوا و سمعوا و اجابوا ربّهم السّامع المجیب

 یا حسنعلی امّ الکتاب میفرماید الحمد للّه باثر قلم اعلی فائز شدی و از کوثر محبّت مالک اسماء مرزوق گشتی قسم بآفتاب بیان که از اعلی افق امکان اشراق نموده هر نفسی الیوم بانوار کلمهٴ مبارکه که از افق قلم اعلی اشراق نموده فائز شود او بکلّ خیر فائز است قل

 اسألک یا الهی بتسخیر قلمک الأعلی و بأنوار وجهک یا مالک ملکوت البقآء بأن تؤیّدنی علی الاستقامة علی امرک بحیث لا تخوّفنی جنود العالم و لا نعاق الأمم الّذین کفروا بک و بآیاتک ثمّ اسألک بأن تکتب لی ما ینبغی لجودک و عطائک انّک انت الفضّال الکریم لا اله الّا انت الغفور الرّحیم

 یا علی (جناب علی ابن محمّد کاظم) لوح محفوظ میفرماید فائز شدی بآنچه در کتب الهی از قلم اراده جاری گشته للّه الحمد باصغای صریر قلم و خریر کوثر بیان و هزیز نسیم عنایت مؤیّد گشتی طوبی از برای تو و از برای مربّی تو لازال تحت لحاظ بوده و هستی جمیع منتسبین و دوستان بعنایت حقّ فائزند از حقّ بطلب کل را مؤیّد فرماید بر استقامت چه که ناعقین در کمین بوده و هستند از حقّ میطلبیم در جمیع امور شما را تأیید فرماید بر ذکر خود و ثنای خود و خدمت خود و ما یرتفع به امره العزیز البدیع

 یا غلامحسین (آقا غلامحسین اهل ص) علیک بهائی قد فزت بذکری و اثر قلمی الأعلی قسم بنبأ عظیم که این فضل عظیم بوده و هست مقامش را بدان و بشکر و حمد مقصود عالمیان مشغول باش باید الیوم کل باتّحاد و اتّفاق توجّه نمایند و اگر امری غیر مقبول حادث شود بکمال تعجیل در صدد رفع آن برآیند للّه قیام نمایند و للّه بخدمت مشغول شوند امروز کلمه‌ئی که سبب و علّت اختلاف شود نزد حقّ محبوب نبوده و نیست احبّا را تکبیر برسان و بآنچه ذکر شده متذکّر دار شاید جمیع ارادات در ارادهٴ حقّ فانی شود یعنی به ما اراده اللّه تکلّم نمایند و حرکت کنند آنچه از قلم اعلی نازل نافذ است در جمیع اشیاء یشهد بذلک مالک الأسمآء فی هذا المقام الرّفیع

 یا حسین (استاد حسین) امّ البیان میفرماید بگو

 الها معبودا ملکا مقصودا بچه لسان ترا شکر نمایم غافل بودم آگاهم فرمودی معرض بودم بر اقبال تأیید نمودی مرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری شده تازگی عطا کردی پروردگارا وجود کل از جودت موجود از بحر کرمت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع مکن در هر حال توفیق و تأیید میطلبم و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلم توئی مالک عطا و سلطان ملکوت بقا

 یا مهدی (استاد مهدی بنّا) مظلوم در سجن ابدی ترا ذکر مینماید و ندا میفرماید این ندا آن ندائیست که از سدره ظاهر گشت و این آن ندائیست که حبیب باصغای آن در معراج فائز شد و این ظهور ظهوریست که روح بآن بشارت داد و کلیم اخبار نمود طوبی از برای نفسی که نعاق ناعقین و سطوت آمرین و ظلم جاهلین او را از یوم اللّه محروم ننمود و از فیوضاتش ممنوع نساخت جمیع را باستقامت امر مینمائیم و به ما ینبغی لأمر اللّه وصیّت میکنیم طوبی للعاملین

 یا سلمان (استاد سلمان بنّا) ایّامی که مکلّم طور در زوراء بر عرش ظهور مستوی کل را بطیور لیل و نعاق ناعقین و فساد ملحدین اخبار نمود تا حزب اللّه از شرّ آن نفوس بعنایت آثار قلم اعلی محفوظ مانند و این محدود بمحلّی نبوده و نیست شاید در این ارض هم احداث شود آنچه سبب و علّت اختلاف است کل را وصیّت مینمائیم بر استقامت بر امر و به ما ینبغی لأیّام اللّه ربّ العالمین قبل از الف ظهور ممتنع و هر نفسی ادّعا نماید عنداللّه مردود و غیر مقبول بشنوید ندای مظلوم را و بآنچه امر فرموده تمسّک نمائید اوست عالم و اوست دانا لا اله الّا هو العلیّ الأبهی

 یا غلامحسین (استاد غلامحسین بنّا) سرّ مکنون میفرماید آیات نازل و بیّنات ظاهر و سبیل واضح و دلیل مشهود ولکن کل محجوب و ممنوع حمد کن مالک قدم را که تو را تأیید فرمود و راه نمود و در سجن اعظم بذکر تو مشغول این مقام خارج از وصف است قسم بنبأ اعظم اگر بدوام ملک و ملکوت شکر این کلمهٴ علیا که از لسان قلم اعلی جاری شده نمائی هرآینه باین عنایت کبری معادله ننماید و برابری نکند از حقّ میطلبیم کل را مؤیّد فرماید باعمال و اخلاقی که جنود حقّند در این ظهور اعظم اگر بعرف بیان رحمن فائز شدی قم و قل

 لک الحمد یا من بک قامت القیامة و ظهرت السّاعة و ارتفعت الصّیحة و مرّت الجبال و برز ما کان مذکوراً فی کتب اللّه ربّ العالمین

 یا نسّاج (آقا رضای نسّاج) علیک بهآء اللّه مالک المعراج از حقّ بطلب ترا تأیید فرماید بر نسج جامه‌ئی که سهام معرضین بیان و اسیاف مشرکین فرقان بآن اثر ننماید این جامهٴ مبارکه تارش از توکّل است و پودش از تفویض این جامه موافق هیاکل موقنین و مستقیمین و راسخین بوده و هست طوبی از برای نفسی که بآن فائز شد و از دون اللّه خود را فارغ و آزاد مشاهده نمود

 یا حسین (حسین ابن آقا محمّد نصیر ﻻری) اهل ایران خود را موحّد میدانستند در یوم ظهور کل مشرک مشاهده گشتند الّا معدودی جزای اعمال کل را از معرفت غنیّ متعال در مآل محروم نموده عمائم بیضا و خضرا و تقبیل ایادی اسباب غرور و علّت منع شد یک نفر از علمای معروف در اوّل امر ببحر قرب تقرّب نجست و از کوثر حیوان که از قلم رحمن در کلّ حین جاری و ساری قسمت نبرد جهد نمائید تا حزب اللّه طرّاً بتوحید حقیقی فائز شوند غیر اللّه را معدوم بینند و مفقود شمرند امروز آفتاب توحید از افق تجرید مشرق و لائح لا یذکر فیه الّا هو طوبی لمن فاز ویل للغافلین

 یا محمّد تقی (آقا محمّد تقی ابن آقا محمّد جعفر اصفهانی) علیک بهائی جنود اللّه که ناصر امر و معین امرند در این ظهور اعظم اعمال طیّبه و اخلاق پسندیده بوده و هست باید کل باین جنود حقّ را نصرت نمایند امروز روز ذکر و ثنا است و امروز روز اعمال است مکرّر این بیان از قلم رحمن جاری تا کل بآن ناظر باشند و بآن متمسّک فساد و جدال و نزاع محبوب حقّ نبوده و نیست یا حزب اللّه وقت را غنیمت شمرید شاید فائز شوید بعملی که عرفش ابدی و ذکرش سرمدی باشد این مظلوم در این ایّام باوهامات ظالمین مبتلا و مجدّد بر او وارد آنچه که قلم اعلی نوحه نمود و لوح صیحه زد مع‌ذلک از ذکر حزب الهی منع نشد و توقّف ننمود اشکر ربّک بهذا الفضل المبین قل لک الحمد یا اله العالمین و مقصود العارفین

 یا محمّد (استاد محمّد بنّا) انشآءاللّه موفّق شوی بر تعمیر بیتی که باسم حقّ مرتفع شود ذکر آن بمثابهٴ آفتاب از افق آسمان بیان مشرق و لائح و دائم و باقی خواهد بود و همچنین مؤیّد شوید بر استحکام بنیان استقامت امروز آن اعظم است از هر معروفی و مقدّمست بر هر امری شکر کن حضرت مقصود را که ترا در سجن اعظم که بمقام محمود مذکور است ذکر نمود اولیای آن ارض را تکبیر میرسانیم و به ما ینبغی لأیّام اللّه امر میکنیم در جمیع احوال بذکر اللّه و ثنایش مشغول باشید هذا نصحی و وصیّتی عبادی الّذین فازوا بأیّامی و طاروا فی هوائی و تمسّکوا بحبلی و عملوا بما فی کتابی العظیم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر